

کارگران جهان متحد شوید!



برنامه

“اتحاد مبارزان کمونیست”



برنامه

“اتحاد مبارزان کمونیست”

این برنامه در تیرمه اول فروردین ۶۰، توسط کلیه اعضای
“اتحاد مبارزان کمونیست”، به اتفاق آراء، به تصویب رسید.

مؤخره‌ای شامل چند نکته توضیحی ضمیمه این متن است.

یکصدوسی سال پس از "تاسیست کمیونیت"، کمیونیتها در سراسر جهان نشان داده اند که ثابت قدم ترین بخش جنبش کارگری و پیرچهدار این حسن برای نابودی نظام استعمار سرمایه داری هستند و نشان داده اند که تنها کمیونسم می تواند جنبش جهانی کارگری و جنبش های دموکراتیک را به پیروزی راهبردی برساند. مدت ها است که کمیونسم خود را عنوان تنها سلاح انقلابی که قادر به دفع نظام طبقاتی بورژوازی است، در سراسر جهان تثبیت کرده است.

این پیروزی نه تنها بورژوازی را در مبارزه انکارش علیه کمیونسم درنده خور کرده است، بلکه در عین حال او را واداشت که است که در جنگ بی امان خود علیه کمیونسم بیش از پیش خود تمام کمیونسم سخن گوید و از درون سر با آن مستترد. کمیونستها همیشه طرم بوده اند که نظرات، اهداف و مطالبات خود را به روشی تریس وجه بیان کنند و موضع گیری ادای این وظیفه را بر سر این همیشه مبرم ساخته است.

ما در پاسخ به این وظیفه مبرم اعلام می داریم که کمیونست هستیم؛ بر نشوری ما یکس، انگلس و لنین انکار داریم و بر صحبت و دفاعت آموزشهای این نشوری های می سازیم. این نشوری راه مبارزه ما را روشن نموده و ثابت کرده است که مابودی سرمایه داری

و بنا نهادن جامعه نوین سوسیالیستی تنها از طریق انقلاب اجتماعی
پرولتاریا امکان پذیر است . . .

اس شوروی بنا آموخته است که هیچگاه برای اصلاح سرمایه‌داری
طرح نبریم ، هیچگاه برای بهبود وضع کارگران نه سرمایه‌داران و
دولتمندان متوسل بشویم و نه آنان بند و اندرز بدهیم . و هیچگاه
برای رسیدن به قدرت سیاسی نه فریب و تسلیم و سوطنه بسمندشیم .
ما اعتقاد داریم که طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد می‌گردد ،
و طبقه خود را این‌قرار داده‌ایم که در عهد جا بجا مافوق
کارگران و سرمایه‌داران را اعضاء کنیم ، ممانی استعمار و متفات
طبقه کارگر در نظام سرمایه‌داری را توضیح دهیم ؛ ضرورت ، حلقه
و شرایط انقلاب اجتماعی پرولتاریا را روشن بکشیم و مبارزه
ظرفانی کارگران را در جهت پیروزی اس انقلاب سازماندهی و رهبری
کنیم .

از ایروما سرمایه خود را اعلام می‌داریم ، طبقه کارگر را
به مبارزه حول آن فرا می‌خوانیم و برای تبدیل اجکام و مناسباتی
آن به پرچم جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بگيرانده مبارزه می‌کنم

* * *

شبهه بولند در ابزار سرمایه‌داری است . اصلاحات ارضی
دهه چهل حیران‌طولایی و کند تحول شبهه بوسندی استمرار
از مشودالی به سرمایه‌داری را به فرجام رسانید ، اصلاحات ارضی
که هدف اصلی آن اتحاد پرولتاریای شهر سنگل می‌داد ، ملبوسه‌ها
روسیایی را که در سینه آن طبع بد عده بودند به بازار گسار
مردی ، عمدتا در شهرها و مدرجه کسری در روستا ، روانه کرد و
آن ارزش و جمع کارگران مردی را که شرط لازم بولند و استعمار
سرمایه‌داری است ، بوجود آورد ، این طبع بد که اما با بر مصای
سازهای سرمایه استریالیستی مورث کرد ، ایران را ضحانه بکه
گسور حذسلطه استریالیسم به جرگه کشورهای سرمایه‌داری گناید .

بهین مان در ایران نیز همچون دیگر کشورهای سرمایه‌داری ،
مبارزه استثمارتوسه‌گان علیه استثمارکنندگان بر محور مبارزه
پرولتاریا و سوزواری معنایه طبقات‌اعلی جامعه ، شگن می‌گیرد .

۲ خلت‌جهانی نظام سرمایه‌داری به حشش‌عظیم طبقه کارگر
برای رهایی ، ناگزیر خلتی جهانی می‌بخشد . کارگران
میهن ندارند و مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه‌داری مبارزه‌ای
بین‌المللی است . اما طبقه کارگر هر کشور باید در وهله اول کار
را با سوزواری کشور خود بکسره کند .

۳ ما ، "اتحاد مبارزان کمونسیت" ، خود را حزبی از حشش‌طبقه
کارگر ایران و به این اعتبار جزء یکی از گردان‌های ارتش
جهانی طبقه کارگر می‌دانیم . و برای همان هدفی مبارزه می‌کنیم که
کمونسیت‌های سراسر جهان بیثاروی خود قرار داده‌اند . این هدف که
بوسیله خصوصیات بسادی جامعه سرمایه‌داری و روند توسعه‌آن معین
گشته است ، برچیدن نظام طبقاتی سرمایه‌داری و جایگزینی آن با
سوسیالیسم است .

۴ نظام سرمایه‌داری منشا تمامی منقبات و محرومیت‌هایی
مادی و معنوی و موقعیت‌ناامن و ناپایمان نوده‌هایی
وسیع کارگر و رحمنکش در سراسر جهان است . این نظام ناسی معسر
و فلابک ، بیکاری و سی‌خاساسی ، تبعیضات اجتماعی و سی حقوقی
ناسی ، سم ملی و ستمکنی‌رن ، جهل ، فحشا ، و اعتیاد ، و کلیه
معاش‌گرمیا تکبیر نوده‌هاست .

خصوصیت‌اعلی این نظام کالا شدن سبروی کار و استثمار کارمزدی
است . در این نظام بخش‌اعظم و عمده وسایل تولید و مبادله در
تالکیت خصوصی طبقه‌ای است که اقلیت ساجیری را در جامعه دربر
می‌گیرد و برای کس‌سود هرچه بیشتر اکثریت عظیم جامعه را کسسه
عمدنا از پرولتورها و نیمه پرولتورهایی تشکیل می‌شود که برای
ادامه حیات ساجار از فروش سبروی کار خویش هستند ، استثمار می‌کند .

در این نظام هر قدر کارگران بیشتر و شدیدتر کار می‌کنند و نه شلوغی
اجتماعی می‌فرساید، سرمایه‌ها در برابر اجتماع بیشتر می‌باشد؛ و هر
چه سرمایه‌ها در دسترس می‌شود، بوده‌های وسیع کارگران و رخصت‌گرایی
با سرمایه‌ها و مخروبه‌های اجتماعی محقق می‌شود.

بگذارید اینجورای تولید سرمایه‌داران، با سرمایه‌ها و هر چه و هر چه
باشی از آن است؛ و در مقابل درون و مخرای این هر چه و هر چه تولید است
که بواسطه کور اقتصادی جامعه سرمایه‌داری خود را احتمال می‌کنند
مباح و موقوفه فلاحات خود را به بار می‌آورند. همراه با این است
و هرگز تا گریز و روز افزون سرمایه‌ها، از یکسو استعمار بوده‌های کارگران
غنی می‌باشد و از سوی دیگر اخبار هر چه و بیشتر از تولید کنندگان
خود به ورطه‌های کشیده شده و به معوقه‌های کارگران رانده می‌شود.
تخصیص سخن‌های اقتصادی ادواری و مکرر سرمایه‌داری که منجر به
اجتماعی‌سازی سرمایه‌داری است، یعنی نظام، یعنی نظام میان حاکمان
اجتماعی تولید و حاکم خصوصی مالکیت است؛ هر یک به مراتب بیشتر
است و متفاوت بوده‌ها می‌آید و تکلیف میان فقیر و غنی را محقق و
کسری بیشتر می‌کند.

اما ما سودی سرمایه‌داری اجتماع‌سازیدار است، چه این
نظام در برابر توسعه خود ضرورت و شرایطی تولیدی خود را فراهم
می‌آورد، نظام سرمایه‌داری از یکسو بدلیل تضادهای اقتصادی
اقتصادی است و اساساً به این دلیل که همراه با این سرمایه‌ها توسعه
سودآوری، هر چه بیشتر بر سرمایه‌ها منتهی می‌شود، به هر چه بیشتر
و از سوی دیگر این نظام در برابر توسعه خود گورکن جوهره‌های بی‌ولتاریا
را، موجود می‌آورد، در روند توسعه سرمایه‌داری سرمایه‌ها کارگران
افزوده می‌شود و به موازات این گسترش گیتی، قدرت و همسنگی توسعه
که دیگر اثراتش می‌باشد، بی‌ولتاریا در برابر وجود رایج‌تر می‌کند و
سود او سرمایه‌داری کارگران حادث می‌شود، علاوه بر این
تدریج تولیدی و اجتماعی در هر چه بیشتر تولید در نظام سرمایه‌داری
معدوم و امکان سخن توسعه‌ای را فراهم می‌کند.

همراه با توسعه سرمایه‌داری نارضایتی عمومی از وضع موجود شدت می‌گیرد. اما در مقابل نضامی رحمتگشا بر سر پرولتاریه علمبرگم شرایط نامساعد زیست‌خویش، کلا در حفظ بنیادهای سرمایه‌داری دینفعند، این تنها پرولتاریاست که به دلیل جایگاه ویژه خود در تولید اجتماعی، تنها طبقه تا به آخر انقلابی و قادر به نابودی نظام سرمایه‌داری است.

انقلاب اجتماعی پرولتاریا باطل مالکیت از استثمارگران، مالکیت اجتماعی و سایر تولید و وسایل در راه‌های مالکیت خصوصی بورژوازی می‌شاند؛ و تولید سازمان یافته و برنامه ریزی شده در سطح جامعه را جایگزین تولید سرمایه‌داری و هرج و مرج دانشی آن می‌سازد؛ به نضامی اشکال بهره‌کشی بخشی از جامعه از بخش دیگر و به تقسیم جامعه به طبقات بسیار می‌دهد. و حداکثر رفاه و ارتقا؛ همه جانبه نضامی آزاد مردم را تأمین می‌کند. و به این ترتیب انقلاب اجتماعی پرولتاریا بنابر راه جامعه کمونیستی رهمن می‌شود. جامعه‌ای که در آن دولت‌روال ساخته و بشر برای اولین بار در سازمان اجتماعی خود بر طبیعت مسلط خواهد شد و بیسان بمعنای واقعی آزاد خواهد گشت.

توسط لازم تحقق انقلاب اجتماعی پرولتاریا و برپایه سوسیالیسم در هم گوسیدن مائیت دولتی بورژوازی، تحریک مردم مائیتی توسط طبقه کارگر و استقرار دیکتاتوری پرولتاریاست. دیکتاتوری پرولتاریا، پرولتاریای سازمان یافته معنای طبقه حاکمه است. این دولت‌سوسی و طبقه به فرجام رساندن انقلاب اجتماعی و سرکوب مخالفان استثمارگران را عهده دارد. دیکتاتوری پرولتاریا، دموکراسی برای کارگران و رحمتگشان و سرکوب برای استثمارگران است و با سوسیالیسم و عالی‌ترین نوع دموکراسی است.

برای آنکه طبقه کارگر به انجام رسالت تاریخی خود ناشل شود، مائیت که حزب مسلط طبقای و سواد رهبری گسده

مبارزه خود علیه سرمایه‌داری، یعنی حزب کمونیست، را برپا دارد. حزبی که با انکاه برنشوری مارکس، انگلس و لنین کلیه وجوه مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی را سازمان داده و طبقه کارگر را در انجام انقلاب اجتماعی رهبری نماید. حزبی که علاوه بر این چهاره تا پذیرش مکتوبات و محرومیت‌های کلیه توده‌های تحت‌تسم و استثمار را، در چهارچوب نظام سرمایه‌داری، برای آنان توضیح داده و آنان را در مبارزه برای رهایی کامل به ترک موضع طبقاتی خود و پیوستن به صفوف پرولتاریای انقلابی فراخواند.

در شرایطی که پرولتاریای ایران از حزب طبقاتی و ستاد رزمنده رهبری جوش محروم است، مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران یک وظیفه مبرم و حیاتی جنبش کمونیستی ایران بشمار می‌رود و ما، "اتحاد مبارزان کمونیست"، یعنی جنبش ایرانی جنبش بیگمراهه در این راه مبارزه خواهیم کرد.

علاوه در فقدان یک سرالعمل برای پرولتاریا از ستاد رهبری جهانی خود محروم مانده است و لذا یکی از وظایف اساسی کلیه احزاب و نیروهای کمونیست در سراسر جهان، تلاش و مبارزه بیگمراهه در راه سرپا داشتن این ستاد، یعنی سرالعمل نوین کمونیستی است.

امروز فریب هشتادسال از ورود سرمایه‌داری به مرحله امپریالیسم می‌گذرد. امپریالیسم، با عصر سرمایه‌مالی، عصری است که در آن رقابت آزاد میان افشار مختلف سرمایه‌های خود را به رقابت سرمایه میان انحصارات بزرگ امپریالیستی و دولت‌های امپریالیست که جهان را از نظر اقتصادی واری میان خود تقسیم نموده‌اند، می‌دهد و با صدور سرمایه، تمامی کشورهای چهار ربر بی‌سرمایه و امپریالیسم کشیده می‌شوند. بحران‌های سرمایه‌داری ایسک با فواصل کمتر و عمیق‌تر ادامه بیشتر رخ می‌دهند. نیکوکاری و خانه‌خراسی سیستمها انسان در سراسر جهان، مرکوب مستمر و خوشین کارگران و

و خلق های نخبه‌ساز کشورهای مختلف، ملت‌ناریم و ارجح سیاسی در اشکال متنوع. همه باگر این واقعیت است که امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری تمامی خصوصیات استعمارگرانه و تمامی تفادهای بنیادی اقتصادی این نظام و سر تمامی مشغلات ناشی از آن را تدبیر می‌نماید. جنگ‌های امپریالیستی که بخاطر استیلا یافتن سرچهار، به منظور تحصیل بازارهای کار و کالا برای سرمایه‌مالی و به نفع انفعالی ملت‌های کوچک و ضعیف‌تر برپا می‌شوند، در این عصر اجتناب‌ناپذیرند. دو جنگ جهانی و حاکمان برانداز اول و دوم چنین جنگ‌هایی بوده‌اند. نظر به عوامل فوق، امپریالیسم به نفع بالاترین مرحله سرمایه‌داری، بلکه مرحله گسسته‌گی، روال و سرپوشی آن سیر می‌کند. عصر امپریالیسم در همین حال عصر انقلاب‌سوسالیمتی پرولتاریاست.

۱۰ یکی از مواج‌های اصلی بدرا در مبارزه پرولتاریا — برای سوسیالیسم، روبریوسیم است. روبریوسیم یک پدیده بین‌المللی است و با وجود اینکه در هر کشور ممکن است بصورت و تکلیف ویژه‌ای خود بنمیزد، اما به معنای عدول از معنای ثنوری و برنامه انقلابی مارکسیسم — لنینیسم و تحریف بورژوازی است که در زمینه سیاسی به معنای معی مبارزه طبقاتی و دیکناتوری پرولتاریا است. روبریوسیم‌ها و احزاب مختلف روبریوسیمت که در کشورهای مختلف سوسیالیست‌ها، فکری و عاملین نفوذ بورژوازی در صفوف جنبش‌های طبقاتی کارگر می‌باشند، معنی جز گناییدن پرولتاریا به زیر سلطه و نفوذ بورژوازی ندارند. لذا، مبارزه برای سوسیالیسم از نقطه نظر پرولتاریای انقلابی از مبارزه علیه روبریوسیم و اشکال متنوع آن جدا نیست. روبریوسیم در سطح بین‌المللی امروز عمدتاً در اشکال روبریوسیم مدرن (خروشی) روبریوسیم "جهانی"، نروشیوسیم، "کمونیسم اروپایی" و روبریوسیم پوپولیستی به حیانت وجود به طبقه کارگر ادامه می‌دهد.

• در ایران نیروهای چپ حزب توده و سازمان چریک‌های

فدایی خلق (اکثریت) روبریونیم خروشچی ، و عسرب
 رنجبران روبریونیم "سه جهانی" را بطور آشکار و مستقیم و
 بمناب یک جریان تعابدمگی می کنند ، ولذا تماما ضد کارگری
 و مدانقلابی اند ، اما گرایش انحرافی عمده در جنبش کمونیستی
 ما در مقطع کنونی روبریونیم پوپولیستی است که بسیاری از
 پیروهای کمونیست را در زمینه ' تاکتیک به نوسان میسان
 اپورئونیم و انارشیم ناگزیر می سازد ، از اینرو ما موفقیت
 طبقه کارگر ایران را در امر ایحاد حزب کمونیست و بهتیرد
 انقلاب خویش ، در گرو مبارزه قاطع با اشکال مختلف روبریونیم
 در جنبش کارگری و کمونیستی و تصفیه کامل این جنبش از کلیه
 انحرافات روبریونستی - و بویژه پوپولیستی - می دانیم و
 شرکت فعالانه و بیکیفر در این مبارزه را یک وظیفه اصلی و حیاتی
 خود بشمار می آوریم .

II حاکمیت روبریونیمم بر احزاب کمونیست شوروی و چین سه
 شکست و عقب رانده شدن طبقه کارگر جهانی از دستگرمهم
 خود در این کشورها انجا عمده است - اکنون بورژوازی در شوروی موفق
 شده است که دیکتاتوری پرولتاریا را امحاء کند و حاکمیت سیاسی خود
 و نظام سرمایه داری را در این کشور احیاء نماید . در چین نیز با تسلط
 فطعی روبریونیمم بر حزب کمونیست این کشور ، طبقه کارگر از قدرت
 سیاسی بیرون رانده شده و قدرت بورژوازی و نظام سرمایه داری در آن
 تحکیم یافته است . امروز این دو کشور به اردوگاه مدانقلاب بورژوا -
 امپریالیستی جهان تعلق دارند . شوروی امروز در سطح جهانی پرچمدار
 و نقطه اتکا روبریونیمم خروشچی و مدافع رفرمیسم بورژوایی - که
 در عصر امپریالیسم جهانی ارتجاعی است - می باشد . چین نیز پرچمدار
 و نقطه اتکا روبریونیمم "سه جهانی" و مدافع ارتجاعی ترین گرایشات
 و جریانات بورژوایی است .

اما علیرغم همه شکستهای موفتی که بورژوازی و امپریالیسم

بر طبقه کارگر و توده‌های ستمکش تحت رهبری و تحمل کرده‌اند و علمبرقم
تمامی موانعی که سرسراز انقلاب پرولتری قرار می‌دهد، مبارزه
طبقاتی پرولتاریا ادامه یافته و پیروزی نهائی او اجتناب‌ناپذیر
است.

۱۴ نظر به ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای
مختلف، کمونیستها برای رسیدن به هدف نهائی و متحرک
خود ناکربرد در هر کشور مبارزه برای اهداف فوری متغی و بی‌ادبستور
کار خود قرار دهند. امپریالیسم بنا بر ماهیت خود تقسیم بندی پایه‌ای
و مهمی در جهان بوجود آورده است: کشورهای امپریالیست و کشورهای
تحت سلطه امپریالیسم که مبارزه طبقاتی در هر یک از آنها از شرایط
خاص خود برخوردار است.

در سطح اقتصادی، امپریالیسم در کشور تحت سلطه شدیدتریسی
شرایط استثنای را بر طبقه کارگر و دیگر طبقات زحمتکش اعمال می‌کند
و در کشور امپریالیست دقیقاً به عکس همین پیرویه تولید فوق سود،
پایه‌های مادی ایجاد اشتراکیت کارگری - بخشی از طبقه کارگر که از
این فوق سود بهره‌مند می‌شوند را بوجود می‌آورد.

در سطح سیاسی، در کشور تحت سلطه، دیگر طبقات و اقشار زحمتکش
این قابلیت را ندارند که در کار طبقه کارگر به مبارزه انقلابی
کننده شوند و در کشور امپریالیست بخشی از خود طبقه کارگر - اشتراکیت
کارگری - حطت انقلابی خود را از دست می‌دهد و به پایه‌های مادی نفوذ
ایدئولوژی بورژوازی در طبقه کارگر و سازمانهای سیاسی آن بدل می‌گردد.
امپریالیسم در کشور تحت سلطه عمدتاً با تکیه بر دیکناسوری غریبان
و نفی دموکراسی در تمام ابعاد آن، حاکمیت بورژوازی را سرپا نگاه
می‌دارد. حال آنکه در کشورهای امپریالیست عمدتاً با اتکا به
جریان‌های رفرمیستی، رویبرویستی و اپورتونیستی حاشی به طبقه
کارگر، جنبش کارگری را در درون مهار می‌زد و بر همین مبنا امکان
می‌یابد تا حاکمیت بورژوازی را با حفظ شکل دموکراسی بورژوازیسی،

۱۳

ایران کشوری سرمایه داری و تحت سلطه امپریالیسم است که اساس اقتصاد آن را تولید فوق سود امپریالیستی پرممنای استثمار نیروی کار ایران طبقه کارگر تشکیل می دهد. نتیجه تبعی این رابطه تعیین میان کار و سرمایه، مکان و ویژه ای است که تولیدکنندگان خرده پادشهر و روستا اخراج می کنند. سطح معیشت این اقشار نیز، به دلیل اینکه بخش اعظم اضافه تولیدشان توسط بورژوازی تصاحب می شود. به سطحی بسیار نازل کاهش یافته و مستمر در معرض جداسی کامل از وسایل تولید خود قرار دارند و به این اعتبار غیر مستقیم و بالقوه جزئی از ارتش ذخیره کار به شمار می روند.

در سطح سیاسی، طبقه کارگر و زمینکنان ایران سالهاست که غنی ترین دیکتاتورهای پلیسی و نظامی و جنبه های سرین شیوه های سرکوبگرانه بورژوازی و امپریالیسم را تجربه کرده اند. امپریالیسم و بورژوازی عصر امپریالیسم گوانش دانی خود را به غنی دموکراسی بطور کلی در ایران به نمایش گذاشته است.

در چنین شرایطی پرولتاریای آگاه ایران و حزب کمونیست آن و ناگزیر است تا در اول مسا عدترین زمینه ها و پیش شرط های اقتصادی و سیاسی را، برای هر چه نشوده تر کردن صفوف خود، برای جلب بیشتر وسیعی از کارگران و زمینکنان زیر پرچم خود و برای حرکت نهایی خود بسوی سوسیالیسم، از طریق یک انقلاب دموکراتیک، پیروزمند طبقه بورژوازی بکشد آورد. این انقلاب طبقه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای ایران و حزب لایشرای انقلاب سوسیالیستی جهانی است.

از اینرو ما اعلام می کنیم که پرولتاریای انقلابی از هر جنبه دموکراتیک - ضد امپریالیستی که به شیوه ای انقلابی سر طبقه نظام موجود نسبت به مبارزه زند حمایت می نماید.

ما اعلام می کنیم که شرط لازم پیروزی انقلاب دموکراتیک ایران، تشکیل حزب کمونیست و تأمین رهبری و همبونی پرولتاریای سوسیالیست

در صفوف جنبش انقلابی است ، و در همین حال تاکید می‌ورزیم که برای
پرولتاریای انقلابی و حزب او پیروزی در انقلاب دموکراتیک پایان کار
نیست و او از این انقلاب بیدرگ و در دست به میزبان نیروی خویش ، یعنی
نیروی پرولتاریای آگاه و متشکل ، به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهد
کرد . ما کمونیستها خواهان انقلاب بی‌وقفه ایم .

۱۴ انقلاب دموکراتیک کنونی ایران که بر زمینه بحران
اقتصادی سال ۱۳۵۵ شکل گرفت ، در اولین مراحل خود و با
قیام بهمن رژیم سلطنتی را که مدافع منظم استثمار و ارتجاع
امپریالیستی در ایران بود بر سر کشید . اما اساساً بدلیل فقدان
هدف مستقل پرولتاریا و عدم تأثیر رهبری پرولتاریای سوسیالیست بر
جنبش انقلابی ، رهبری جنبش در اختیار حریسات و نیروهای خرده بورژوا
و بورژوا - لیبرالی قرار گرفت که از همان پیش از قیام خواستار
مصون داشتن دستگاه حکومت بورژوازی از ضربات انقلاب و حفظ پایه های
اساسی حاکمیت سرمایه در ایران بودند . بدین ترتیب رژیم جمهوری
اسلامی از بدو استقرار خود معاصمت از رشد و گسترش انقلاب و سرکوب
جنبش انقلابی بالخاص جنبش کارگری و کمونیستی را در دستور خود قرار
داده و برای تحقق این هدف ضدانقلابی خویش فعالانه کوشیده است .
رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت خود ، نه می‌خواهد و نه می‌تواند به
خواستهای انقلابی و دموکراتیک توده های کارگر و زحمتکش جامعه عمل
پوشد و گریزی از این ندارد که به مثابه ابزار در خدمت نجات بورژوازی
و امپریالیسم از مهلکه انقلاب و اعاده نظم ضدانقلابی مطلوب بورژوازی
عمل نماید .

اما ، علیرغم تلاشهای بورژوازی و امپریالیسم برای سرکوب
انقلاب ایران ، که با آسکاء رژیم جمهوری اسلامی و احزاب بورژوازی
و ضدانقلابی گوناگون چه در داخل حکومت و چه در اپوزیسیون آن ، صورت
می‌گیرد ، این انقلاب ادامه یافته و امروز می‌رود تا در صورت سرکشت
فعال و آگاهانه پرولتاریای انقلابی از اتملای نویسی برخوردار شود .

"اتحاد مبارزان کمونیست" وظیفهٔ ملغم خود را نلائق و مبارزه برای متحد کردن صفوف جنبش کارگری در حزب کمونیست و برای متعاقباً ساختن آنچنان نظام سیاسی قرار می‌دهد که به بهترین وجهی حقوق و آزادیهای اساسی اجتماعی را تضمین کند و بانفی عملی بطول انجام دهد. امیرالایم بر شرایط رست و مبارزه پرولتاریا، بویژه مناسب ترین شرایط اقتصادی و سیاسی مبارزهٔ اوسرای سوسیالیسم را فراهم سازد.

آن نظام سیاسی که می‌باید با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جایگزین آن گردد نمی‌تواند جمهوری پارلمانی باشد. تجربهٔ سراسر جهان و سیر اکنون تجربهٔ ایران، بخوبی ثابت کرده است که پارلمان همچون ارتش، پلیس و دستگاه بوروکراتیک دولت، یعنی ابزارهای حکومت سرمایه‌داران اعم از سلطنتی و جمهوری، چیزی جز ابزار سرکوب شده‌ها نیست.

"اتحاد مبارزان کمونیست" برای "جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زمینکنان ایران" مبارزه می‌کند که در آن :

الف) حکومت مردم بر مردم با استقرار دموکراسی شورایی، یعنی از طریق شوراهای مردم که هم بمثابة قانونگذار و هم بمثابة محری قانوں عمل خواهند کرد، اعمال گردد.

ب) ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه‌ای برجیده گشته و تسلیم عمومی مردم و ملیشهای توده‌ای، جایگزین آنها شود.

ج) بوروکراسی دولتی، از میان رفته و کلیه معادرا سورا، از یابین تا بالا، انتخاباتی بوده و هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند فابل عزل باشند و کلیه افرادی که به این ترتیب در معادرا سورا قرار می‌گیرند، بدون استثناء، حقوقی حداکثر برابر با متوسط دستمزد یک کارگر ساده در برابر دارند.

"جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زمینکنان ایران" که

بر ارکان فوق منگی است باید نکات زیر را بحوی همه حاشه و پیگیر
نامین کنند :

۱) حق حاکمیت مردم : سپردن حاکمیت مردم بدست شورا های
مردم و تشکیل کنگره سراسری نمایندگان شورا های مردم به مثابه
عالیترین ارگان حکومتی کشور .

۲) انحلال ارتش و سایر نیروهای مسلح جرمه ای و سازمان های
جاسوسی و اطلاعاتی مخفی : تسلیم عمومی مردم ، تشکیل
میثقیات نو ده ای و استعاضی شدن کلیه فرماندهان و مرئییان
نظامی .

۳) شرکت مستقیم مردم در اداره امور کشور : لغو اکید
انتخاب استانداریان ، فرمانداران ، شهرداران و بخشداران
ارسوی دولت ، استعاضی بودن این مقامات در کلیه سطوح توسط
مردم و قابل عزل بودن آنان هرگاه که اکثریت انتخاب
کنندگان اراده کنند .

۴) استعاضی بودن قعات و سایر مقامات قضایی : قابل عزل
بودن آنان هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند .
لغو اکید هرگونه دادگاه های ویژه ، علمی بودن کلیه محاکمات .

۵) مطارت کامل مردم بر سیاست خارجی : لغو اکید دیپلماسی
سری ، شناسایی برابری حقوق کلیه ملل و پشتیبانی بدون
قید و شرط مادی و معنوی از جنبش های انقلابی کارگری ،
دموکراتیک و فدا میربالیستی در سراسر جهان .

۶) جدایی کامل مذهب از دولت : لغو اکید :

هرگونه مذهب رسمی ،

هرگونه اختیار و تسعیر در مشاغل دولتی بر مذهب

مذهب و یا مقام مذهبی فرد ،

هرگونه تسعیر و محدودیت در حقوق قانونی افراد بر

حسب اعتقاد و یا عدم اعتقاد آنان به مذهب ،

هرگونه پرداخت کمک های مالی و غیر مالی دولتی به

نهادهای و فعالیت‌های مذهبی و

هرگونه مواد درسی و رسم و آیین مذهبی اجباری در

مدارس و موسسات تعلیم و تربیت دولتی .

کلیه افراد کشور در اختیار کردن هرگونه مذهب و یا نداشتن

هیچگونه مذهب و تبلیغات مذهبی و ضد مذهبی آزادند .

۷) حق ملل در تعیین سرنوشت خویش ؛ کلیه ملل و ملت‌های کشور

آزادند که سرنوشت خویش را به هر شکل و منجمله با جدایی

کامل و تشکیل دولت مستقل تعیین کنند . "جمهوری انقلابی -

دموکراتیک کارگران و زمینکشان ایران" بر اساس اشهاد

داوطلبانه ملت‌ها ، و نه الحاق اجباری آنها ، تشکیل

می‌گردد .

۸) لغو اکید هرگونه زبان رسمی اجباری ؛ آزادی ملت‌ها

و قوم‌ها در بکار بردن زبان مادری خویش در مدارس ، ادارات ،

رسانه‌های گروهی و ... در کلیه نقاط کشور .

۹) آزادی بدون قید و شرط عقیده ، مرام سیاسی و حق تبلیغ

و اشاعه آن برای کلیه افراد کشور ؛ آزادی نامحدود بیان ،

فلم ، مطبوعات و انتشارات .

۱۰) آزادی بدون قید و شرط هرگونه شکل ، فعالیت سیاسی و

منظری ، تجمع ، شظاهرات ، اعتصاب و تحصن .

۱۱) نمای کامل حقوق قانونی کلیه افراد کشور صرف نظر از

جنسیت ، مذهب و مرام و عقیده سیاسی ؛ برابری کامل زن و مرد

در کلیه حقوق قانونی ، رفع هرگونه تبعیض و محدودیت قانونی

از اقلیت‌های مذهبی ، و رفع هرگونه محدودیت در حقوق قانونی

افراد بر حسب مرام و عقیده سیاسی .

۱۲) آزادی انتخاب شغل و محل سکونت ؛ آزادی نظر و اقامت

در تمامی نقاط کشور برای کلیه افراد و معرست قانونی هر

مرد و محل سکونت او .

★ مسطور معون داشتن طبقه کارگر از شاهی جسمی و روحی و افزایش توان او در مبارزه برای رهایی از یوغ استعمار وستم سرمایه داری، " اتحاد مبارزان کمونیست " خواستار تحقق نکات زیر برای کلیه کارگران است :

۱) تقلیل کار هفتگی به حداکثر ۲۰ ساعت و مقرردن حداقل دورور استراحت متوالی در هر هفته برای هر کارگر؛ افزایش مرخصی سالانه کارگران به ۳۰ روز ، علاوه بر تعطیلات رسمی، با پرداخت حقوق و مزایای کامل ؛ کاهش روزکار به حداکثر ۵/۵ ساعت برای کارهای شاق از قبیل کار در معادن ؛ مقرر شدن دوروز مرخصی ماهانه اضافه برای زنان با پرداخت حقوق و مزایای کامل .

۲) تعیین حداقل دستمزد رسمی توسط نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه وسایل معیشت و رفاه خانواده ۵ نفری و افزایش سطح دستمزدها متناسب با بالارفتن بهای وسایل معیشت و رفاه .

۳) تعیین دستمزد ، مزایا و مدت استراحت در فواصل کار روزانه بر حسب سختی ، مخاطرات ، وضعیت بهداشتی و دیگری شرایط فیزیکی کار توسط نمایندگان منتخب کارگران .

۴) ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و احاطه تصمیم نهایی در همه موارد اخراج به رای مجمع عمومی کارگران واحد مربوطه ؛ نظارت نمایندگان منتخب کارگران بر استخدام .

۵) ممنوعیت هرگونه اضافه کاری .

۶) ممنوعیت شب کاری (۱۰ شب تا ۶ صبح) در تمام رشته‌ها با استثناء رشته‌هایی که بدلائل فنی و یا رفاه اجتماعی شب کاری در آنها اجتناب ناپذیر است ؛ محدود شدن کار شبانه در این رشته‌ها به حداکثر ۴ ساعت با پرداخت دستمزد و مزایای

۷) ممنوعیت هرگونه کار - مزدی (اعم از قطعه کاری و کار کنسرتاشی) و ممنوعیت پرداخت دستمزد به صورت جنسی و غیر نقدی .

۸) ممنوعیت هرگونه جریحه های پولی و کسر دستمزد به بهانه های مختلف ؛ پرداخت حقوق برای عیبت های موجه ، دوران بیماری و نقاهت ، زمان اعصاب و هرگونه توقف تولید به دلایل مختلف و یا به بهانه های کارفرما .

۹) احتساب زمان ایاب وذهاب ، استحمام بعد از کار ، صرف غذا و زمان تشکیل مجمع عمومی و شرکت کارگران در کلاس های سوادآموزی ، جزو ساعات کار کارگران .

۱۰) تعیین ایمنی و بهداشت محیط کار و تسهیل مخاطر محیط کار به حداقل ممکن مستقل از ملاحظات اقتصادی ؛ نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطر و بیماری های خاص ناشی از نوع کار ، به هزینه کارفرمایان و دولت .

۱۱) تنظیم و اعمال مقررات داخلی کارگاه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی توسط نمایندگان منتخب کارگران .

۱۲) تشکیل دادگاه های کارگری حل اختلاف با هیأت منصفه ای متشکل از نمایندگان منتخب کارگران برای حکمیت در موارد اختلاف کارگر و کارفرما ؛ هزینه تشکیل دادگاه ها باید تماماً برعهده کارفرمایان باشد .

۱۳) بیمه کامل کارگران در مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار ، اعم از اینکه در محیط کار و یا خارج از آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات وقوع کارفرما یا مدیریت واحد تولیدی داشته باشد ، به هزینه کارفرمایان و دولت یا تنحیص و نظارت نمایندگان منتخب کارگران ؛ پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر سوانح و صدمات ناشی از کار

دچار بیماری و نقص عضو می‌شوند و یا سواناشی کار کردن را از دست می‌دهند. پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی — کارگران مورد اخیر.

۱۴) تغلیل حداکثر سن بازنشستگی به ۵۰ سال و با پسناد حداکثر ۲۵ سال سابقه کار و پرداخت حقوق و مزایای کامل به کارگران بازنشسته ، پرداخت حقوق و مزایای کامل بازنشستگی کارگران متوفی به افراد تحت تکفل آنان . نیمه حقوق و مزایای بازنشستگی همراه با افزایش سطح دستمزدها .

۱۵) ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که از نظر جسمانی برای زنان زیانناک است و ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار .

۱۶) ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر بدون کسر حقوق و مزایا .

۱۷) کاهش روزگار مادران شیرده به ۶ ساعت و دادن حداقل سیماعت تنفس و استراحت به زنان شیرده در عوامل حداکثر به ساعت .

۱۸) ممنوعیت کار حرفه‌ای برای کودکان و سوجوانان زیر ۱۸ سال

۱۹) تأمین کلیه نیازهای رفاهی و فرهنگی در محیط کار و محله کارمندی مکتوبی ؛ از قبیل : سالن اجتماعات ، سالن استراحت ، غذاخوری ، حمام و دستشویی ، زمین و سالن ورزش شیرخوارگاه و مهد کودک ، درمانگاه ، کتابخانه و کلاسهای سوادآموزی بزرگسالان به هزینه کارفرمایان و دولت .

۲۰) تشکیل هیات‌های بازرسی کارگری به انتخاب کارگران این هیات‌ها از چگونگی تحقق نکات فوق در کلیه واحدهای تولیدی و بطور کلی تمام اماکنی که کارگران در آن مشغول به کارند (از جمله خدمات خانگی) بازرسی و حسابرسی

خواهند کرد.

★ "اتحاد سازان کمونیست" ، همچنین بمنظور تسهیل امر بسط مبارزه طبقاتی در روستا و نیز بمنظور ارتقا سطح فرهنگ و رفاه عمومی که به سبب خود امر پیوستن سایر رحمتکشان جامعه را به مبارزه طبقه کارگر برای رفاهایی قطعی تسهیل خواهد کرد؛

اولا در برخورد به جنبش های دهقانی مسئله ارضی اعلام می دارد که:

از جنبه های انقلابی و دموکراتیک جنبش دهقانی حمایت کرده و اقدامات اتحادیه ها ، شوراها و ارگانهای دموکراتیک منطقه ای و محلی را بر امر معادله ، واگذاری و اداره تمام اراضی ، منابع آب و وسایل تولید کشاورزی و پاسداری بهر نحو که این ارگانها صلاح بدانند ، برسمیت می شناسد .

خواهد گویند تا همراه با تسلیم محترم سوسیالیسم بمثابه راه حل نهایی از میان بردن مفر و استعمار ، بیرونی های روستا را در تشکلات مستقل طبقاتی اش سازماندهی کرده و او را در تعیین سمت و سوی جنبش دهقانی ، کسب و اعمال رهبری در ارگانهای محلی در مناطق روستایی و در تعیین چسب و واگذاری و اداره اراضی و وسایل تولید معادله شده ، حمایت و رهبری نماید .

✎ "جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و رحمتکشان" کلیه منابع آب و اراضی شهری و روستایی سراسر کشور را ملی خواهد نمود . منظور از ملی کردن اینست که کلیه اراضی و منابع آب کشور تحت مالکیت دولت قرار گیرد ، در حالیکه حق بهره برداری و واگذاری آن در اختیار ارگانهای دموکراتیک محلی و منطقه ای مردم است .

شانس در زمینه رفاه عمومی تحلق نکات زیر را مطالبه می کند:

۱) سیمه سیگاری کامل و مخفی نریایه حداقل دستورده رسمی
برای هر فرد سیگار بالای ۱۸ سال .

۲) تأمین و تعیین مکان مناسب (از نظر فضا ، بهداشت و
خدمات شهری) برای کلیه افراد کشور و اقدامات عاجل در این
رسمه از طریق : معادله کلیه اماکن و اماکن های مکعبی
ماراد بر احتیاج افتار مرده ، ساختمان های ادارات و دوائر
دولتی راشد ، هتل ها و مهمانسراهای لوکس و اجرای پروژه های
کوتاه مدت خانه سازی در اراضی معادله شده به هزینه
دولت ، با تشخیص و توسط ارگاسهای دموکراتیک مردمی .

۳) بهداشت و درمان ملی ، رایگان و مناسب برای کلیه
افراد و اشباع کشور ، اختلال طب خصوصی و معاینه اجباری
سالانه و منظم تمام افراد و اشباع کشور .

۴) آموزش رایگان در کلیه سطوح و برای کلیه افراد ، احصای
بودن آموزش تا سن ۱۸ سال

۵) لغو کلیه دیون و بدهی های دهه های گذشته به زمین داران و
دولت و کلیه بدهی هایی که حتمه رسایی دارند .

۶) ایجاد نهجیات فرهنگی و رفاهی در روستاها : از جمله بوی
بلغن ، لوله کشی آب آنا میدسی ، حمام ، راه ، مدرسه ،
درمانگاه ، سالن اجتماعات و غیره به هزینه دولت .

۷) لغو هرگونه مالیات غیر مستقیم .

۸) فرار گرسنگی کلیه کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال که فاقد
تأمین معیشتی و رفاهی از طریق خانواده می باشند ، نخست
تکفل دولت و همچنین تأمین زندگی رفاه معلولین
و سالخوردهگان توسط دولت .

۹) استفاده رایگان تمامی مردم از امکانات و نهجیات
فرهنگی ، تفریحی و ورزشی عمومی .

۱۰) لغو هرگونه عوارض دولتی در مواردی چون شست و دواج و طلاق، صدور اسناد و مدارک تحصیلی و گواهی نامه های فنی و پزشکی، و رایگان بودن امر کفن و دفن.

۱۱) ممنوعیت ازدواج دختران و پسران کمتر از ۱۸ سال و آزادی تمامی افراد بالاتر از ۱۸ سال در تشکیل خانواده نه اراده خود و بدون کسب اجازه از والدین؛ برسمیت شناخته شدن ازدواج از طریق ثبت در دفاتر دولتی بدون برگزاری هیچگونه رسم و آیین احصاری؛ لغو تعدد زوجات، برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق و تکفل فرزندان.

دولت انقلابی کارگران و رحمتکشان ایران، مطالبات فوق را به هزینه سرمایه داران و از جمله از طریق ممانده و ملی کردن سرمایه ها در هر سطح که لازم بداند، ملی کردن موقوفات و مقرر داشتن مالیات جماعی بر ارباب و دارایی و سایر درآمدهای حاصله از مالکیت و سایر تولید و مبادله تاسی خواهد کرد.

"اتحاد مبارزان کمونیست" قاطعانه اعلام می دارد که تا سبب پیگیر همه حاشیه مطالبات سیاسی و اقتصادی حداقل برولتا و سبای ایران تنها از طریق "جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و رحمتکشان ایران" ممکن خواهد بود. از این رو، "اتحاد مبارزان کمونیست" با تمام احزاب و جریانات رفرمیستی که گسترش دخالت های پلیسی و بوروکراسیک دولت در امور زندگی توده های رحمتکش را بسوی گامی به پیش تبلیغ می کنند، پیگیرانه سازره خواهد کرد. در عین حال خود را موظف به پشتیبانی از هر جنبشی می داند که مخالف نظام اجماعی - سیاسی موجود بوده و بسوی انقلابی در راه تحقق این مطالبات سازره کند.

www.iran-archive.com

مؤخره:

چند نکته توضیحی

۱- به اعتقاد ما، با انتشار منس خاخر، اولین نمونه واقعی یک برنامه کمونیستی در دوران جدید فعالیت جنبش کمونیستی ایران، به جنبش طبقه کارگر ایران ارائه می‌شود. در این شک نیست که ما کمون سارمانها و نیروهای کمونیستی مختلف، متنوعی تحت عنوان "برنامه"، بطور وسیع و علنی، و با صرفا در سطح درون جنبش کمونیستی، ارائه داده‌اند. اما هیچیک از این متون، صرفنظر از درجه اتکا و بسا عدم اتکا آنها به احکام و اصول نشوری و برنامه مارکسیسم انقلابی، برنامه‌های کمونیستی نبوده‌اند. ملاک لنینی در تعریف یک برنامه کمونیستی، مشخص است. برنامه "تمویر روشنی از هدف نهایی، شناخت صحیح از راه رسیدن به آن هدف، و مفهوم دقیقی از شرایط واقعی آن نقطه، یا وظایف فوری جنبش" بدست می‌دهد؛ لنین، آوانتورسم انقلابی، این تعریف روس از ارگان یک برنامه کمونیستی، صدا دعای فوق ما را، برای تمام کسانی که امروز این امکان را دارند تا "برنامه" ها، "سی و برنامه" ها و "تظلماتها"، "مراجوزان" ها و غیره گروه‌ها و سازمانها را چون "سازمان بکار..." "سازمان زرمسندگان..."، "گروه کمونیستی سرد"، و غیره زانامتن حاضر مقایسه کنند، به نسبت برنامه در تمامی نمونه‌های فوق اصول

احکام و مقررات پایه‌ای یک برنامه کمونیستی اساساً ثابت است. آن اصول بسپادی چون ضرورت انقلاب اجتماعی پرولتاریا، خصلت بین‌المللی حشش طبقه کارگر، اعلام اجتناب ناپذیری سوسیالیسم بر مبنای تومیح غفلت و تفادهای جامعه سرمایه‌داری، ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا و حزب کمونیست، مواعحدراء انقلاب اجتماعی پرولتاریا و بالاخره شرایط ویژه هر مقطع معین از مبارزه طبقاتی و اهداف قوری (حداقل) پرولتاریای انقلابی، هیچیک مگر بگونه‌ای، خام، محدود و ناقص، طرح نشده‌اند. نه هدف، نه شناخت صحیح از راه رسیدن به آن و نه درک روشنی از وظایف قوری، هیچیک در اینگونه متون منظور نبوده‌اند. همین امر، درمسطر از معنوی غیر کمونیستی اکثر این متون نوشته‌ها، مانع از آن است که بتوان آنها را "برنامه" و "اسهم" برنامه کمونیستی" نامید.

آنچه خصلت اساسی اینگونه سیاست‌ها، قطعنامه‌ها، ویلانقرم‌ها را، علیرغم اینکه به غلط در سواردی نام برنامه بر آن نهاده شده است، تشکیل می‌دهد، نوعی مومعکیری تاکتیکی در قبال انقلاب دموکراتیک و آسهم در قبال برخی وجوه معین آن بوده است. تفاوت میان برنامه کمونیستی و "سیاست اعلام مواعحد" را می‌توان به روشنی در سیر حرکت خود ما و در مقایسه جزوه "انقلاب ایران و سقر پرولتاریا، خطوط عمده" آذر ۵۷، با برنامه حاضر مشاهده کرد. "خطوط عمده" و علیرغم اینکه واقعات صارره طبقاتی معین و استواری احکامش را به روشنی به ثبوت رسانیده است و سیر علیرغم اینکه بیشتر از دو سال نقطه انکاء و راهنمای ما، نویژه در امر مبارزه ایدئولوژیک علیه سلطه تفکر حرده بورژواشی برجمنش کمونیستی ایران بوده است، در مقایسه با مس حاضر، به سختی می‌تواند حتی "تکل جنبتی یک برنامه کمونیستی" محسوب شود. "خطوط عمده" در تحلیل بهائی سرحسوروی پرولتاری به یک انقلاب دموکراتیک معین رانسیس می‌کند، و علیرغم اینکه این نقطه قدر برادران: د که انقلاب حاضر را از درجه حشش مقررات اقتصادی و سیاسی تحول می‌دهد این انقلاب به یک انقلاب

یومالمنسی می‌گیرد، اما هنوز تصویر روشنی از هدف‌های سیاسی راه رسیدن به آن اهداف فوری حسن‌مدست می‌دهد. در شرایطی که بحرهای هرجه و مستعری از حسن‌گمبوسی می‌روند بازاره موضع پرولتری، استحکام سیاسی، وحشی محساب‌نکل نموده برهای گروه "خطوط عمده" را "گشود" گشود و با سرمد سهام (چون پیکار شوریک) به افسان وحشی رونوسی از نطفه‌های مختلف آن سپردارند، ما، حدود اعلام می‌کنیم که دو سال مبارزه برامان گروه "خطوط عمده"، امروز ما را به فراسر رسمی از آن وارزانه این برنامه ملزم و قادر ساخته است. و این برنامه چگونه دو سال پیشروی از سکرهای برامان ۵۷ در اوج وجود جمع دارد.

این واقعیات، در کنار محسوس و جهت‌گیری طبقاتی روش اساسی برنامه، و برپسندی برح و فاطم آن در فضای سدها، ما ادراکات پرورزواشی و حربه پرورزواشی را به درحستر گمبوسی، به ما اجازه می‌دهد که برحاً اعلام کنیم که دقیقاً چون "خطوط عمده" در دو سال قبل، برنامه حاضر ما، پیشروترین سطح ادراکات - برنامه‌های حسن‌گمبوسی ایران را در اوج بر سطح معنی‌نماندگی می‌کنیم و ما هم‌زمانه برنامه که جنتر گمبوسی و کارگری ایران را به مبارزه حول برح سیاسی این برنامه فراخوانیم.

اما این پیشروترین سطح ادراکات - برنامه‌های موجود بنده‌ای رو به تکامل است، و در شرایط انقلابی حاضر و با خیرترین حسن‌طیفه کارگر، برعنا هم رو به تکامل است. ما به سیم خود خواهیم نوشت ما برعینای سیر رو به اعتلای مبارزه طبقاتی در تجربه‌های اندیشه‌وریک سیاسی و اقتصادی، خود فعال ترین عنصر تکامل بحر این برنامه هستیم. برح این برنامه امروز در سیم راه، تکمیل حرب طبقاتی پرولناریای ایران برافراشته می‌شود و سها می‌شود های خود را به آن برحی بدهد که پرولناریای مسلک بر، آگاه بره مبارزه طبقاتی از سطح بافته بر را نمایندگی خواهد کرد. دست‌یافتن به آن سطح اعتلا یافته مبارزه طبقاتی و آن برح در آینده، امروز معنای عقلی دیگر

وراء دیگری جز مبارزه ، در تمام سطوح ، حول پرچم این برنامہ ندارد .

۴ - نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم ، اهمیت و جایگاه ویژه یک برنامه روش کمونیستی در اوضاع سیاسی کنونی ایران است . در شرایطی که جبهه توده‌ای و کارگری اعتدالی نویسی می‌باشد و لیبرال‌مسم سورژواشی می‌رود تا بار دیگر خائفاً به این جنبش را به مسلخ تسلیم و عدانقلاب رهنمون شود ، بخش‌هایی کمونیستها و آلترناتیو پرولتاری در امر ماسدی و رهبری جبهه پرولتاری وارد و گاه انقلاب‌اهمیتی مد چندان می‌باشد . ما در متون مختلف ، و به‌لااض در سرمقاله و قسمت سوم بحث "دو جناح در عدانقلاب پرورژوا - امپریالیستی" ، مندرج در نشریه "سوی سوسیالیسم" شماره ۴ ، به تفصیل جایگاه محوری برنامه را در تبدیل جبهه کمونیستی به آلترناتیوی برای رهبری جبهه انقلابی شکافتم و در اینجا آن توضیح بیشتر این ساله احتساب می‌گردد و خواننده را به مطالعه مقالات فوق رجوع می‌دهیم .

۳ - توضیح چند نکته در مورد ترکیب این برنامه و مسای نگارن آن ضروری است . این برنامه به دو بخش کلی تقسیم می‌شود . بخش جداگتر (اصولی) ، روش آن احکامی را که هدف‌های جبهه کمونیستی وراء رسیدن به آن را تعریف می‌کند ، در بر می‌گیرد . سوسیالیسم ، و اجتناب‌ناپذیری آن ، خطت بی‌الدلی جبهه طبقه کارگر ، دیکتاتوری پرولتاریا ، حزب و ... روش آن احکام پایه‌ای است که در این بخش برنامه بطرز مفصّله‌ای طرح می‌گردد . در این بخش بحث از مشاهده و اعلام استقرار سرمایه‌داری در ایران و مکان محوری مبارزه پرولتاریا علیه سورژواری در کشور ما آغاز شده و خصوصیات اساسی و عام جامعه سرمایه‌داری که تحقق سوسیالیسم را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد ، را بر می‌شمارد . ملرومات پیروزی انقلاب اجتماعی را تعریف می‌کند و سپس در سطح خاصی به ویژگی‌های کنکرت سرمایه‌داری عصر حاضر می‌پردازد . خصوصیات ویژه سرمایه‌داری ایران ، که اهداف محوری خاصی را در دستور جبهه طبقه کارگر ایران قرار می‌دهد ، تاکیده می‌شود و سپس این قسمت

با شرح گویا می‌آید. از خصوصیات اصلی مؤلفه‌های کمی منابع طبیعی و انفلات حاضر با ما می‌پسندد. بحث دوم، بحث اهداف فوری طبعه کاچو ایران، یعنی بحث حداقل برنامه است که محتوای کلی و اقتصادی پیش شرط‌های سطح بیرونی برای انفلات سوسیالیستی را در چهارچوب اهداف فوری معینی تبیین می‌کند. این بحث خود شامل تعریف روشی و معنای کلی جمهوری اسلامی - دموکراسیک کارگران و زمینداران، معیار چکیده کل برنامه حداقل، بحث مطالبات سیاسی، مطالبات اقتصادی فوری برای کارگران و مطالبات عمومی (شامل برخورد با زمین دهقانی و مساله ارضی) است که اما با ارتقاء سطح مساله و زمینداران غیر پرولتاریا در جامعه را مدنظر دارد.

در مورد این برنامه، ما غاصه‌ها برخی از اصول کلاسیک نگارش برنامه، اجرای مسائل اصل احسان از تکرار و تعمیم، و اینها نحوه به دست کمیونیسمین کارگری و کمونیستی ایران و احراقیات و اینها مانی که بر سر بسیاری مشکلات ما به ای جسی در جنبش کمونیستی ما رواج دارد. ما در معنی بر ما گذاشته‌ایم. عبارت دیگر ما حدودی اصولی‌گری در شکل راه‌های روسی بر عرصه کردن محتوای برنامه کرده‌ایم. هم‌چنین، به همین خاطر، در دو بند ۸ و ۱۰ بحث اصولی، دو بار اکتیو صورت گرفته به سدهای اصولی آورده‌ایم که عملاً از سطح تحلیلی و تحریک در این سدها براساس می‌روند. و به مؤلفه‌های حاضر اشاره می‌کند. امری که در نتیجه بلاتعمیرها و قطعنامه‌ها است. برای اینکه این سوره‌ها روند تحلیلی و سطح تحریک محتوا اصولی را فراهم کند. ما این دو بار اکتیو را با اشاره به متوجه کرده‌ایم. این عمل را ما در این مقطع بعد دانسته‌ایم. اما طبیعی است که در یک برنامه دقیق شده برخی که خود آنها می‌تواند با ما - و شامل سطح ارتقاء یافته سری از ما روزه بیرونی ما در سطوح مختلف باشد. رفع این نواقص در شکل، ضروری و در عین حال ممکن خواهد شد.

۴ - این برنامه معنای اهداف و شعارهای تاکتیکی و کمپوزی‌ها،

چون "اتحاد کارگری طبقه بهکاری" ، تشکیل شوراهای اعلیٰ کارگری و اسناد آن است ، معارفت دیگر نهادهای تاکتیکی و آکسیوسی با آن شکل مشخص انقلابی است که مبارزه برای تحقق اهداف حداقلی ، و با جنبه‌های خاصی از آن ، در هر مقطع باید برسر آن شکل گیرد و سازمان یابد .

۵- طعنا ضروری است که در کنار برنامه تفصیلی آن سرمنشور نمود . این اقدام در دستور کار ما قرار می‌گیرد ، اما برای تکلیف باکند می‌کنیم که بسط واقعی این برنامه ، تا آنجا که بسط شوریک آن مدنظر است ، کلیت آن مباحثات شوریک ، پلمیک‌های سیاسی و سوتنه‌های آموزشی خواهد بود که حول این برنامه سازمان می‌یابند و بخش عمده آنچه ما در طول دو سال گذشته تدوین و طرح کرده‌ایم در محتوای امر جز بسط عملی بخش‌هایی از این برنامه نبوده‌اند . اینک ما ارائه این برنامه با امکان می‌یابیم که به برانگ خود در عرصه‌های مختلف اقتصادی ، سیاسی و شوریک مبارزه طبقاتی حتمی آگاهانه و طبقه‌مند بر سر حقیقت ، در ریشه مبارزه ایدئولوژیک ، این امر به معنای سازماندهی مبارزه طبقه روی می‌یابیم ، ایورنوسیم و آمارسیم در ارتباطات گسسته با بندهای محفل این برنامه است . اینک بروسی می‌توان نشان داد که این با آن بر روی می‌یابیم و ایورنوسیتی سخما کدام حکم و بند یا نه‌ای یک برنامه تاکتیکی - استیستی را بربر سوال می‌برد یعنی سفر می‌کند و این خود کام‌مبھی در اعطاء کردن و پایان دادن به زنگزگهای سیاسی استیستی گرانسات روبرویوسی و ایورنوسیتی خواهد بود . علاوه ، با سوق دادن و باگبر کردن خط مئی‌های احرامی درون جنبش کمونستی به اعلام اینکه سلاجوه "حرف حساب برنامه‌های شان" در مقابل برنامه ما چیست ، امکان خواهیم یافت تا گریبان پرولتاریای ایران را از غلطه باری‌های نوحه گریاسه گرایان حوده سوزوایشی رهاکنیم و کار طبقه کارگر را در بازشاخشی نامندگان فکری واقعی‌اش - مچل -

ما شیم .

۶- از نظر ما این برنامه علاوه بر ملازم های تاکتیکی و شعارهای آکسیوسی که تاکنون طرح کرده ایم و درآمده در برخورد به مسائل مبارزه طبقاتی و انقلابی طرح خواهیم کرد. مجموعه مواضع گروهی ما را در هر مقطع تکمیل می‌دهد.

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

تعداد: ۱

شماره ۱ - اشعورای ایرانی طوطی آزاد و پلارده کارگر (پولن عمیق)